

نقدی بر ترجمه ارسطو
نوشته ورنر یگر

بخش دوم

هدایت علوی تبار

عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

در بخش اول مقاله، که در شماره پیشین مجله به چاپ رسید، پس از مقدمه تعدادی از جمله‌هایی که اشتباه ترجمه شده یا ترجمه نشده است به همراه ترجمه درست آنها و علت اشتباه مترجم آورده شد. در این بخش به ادامه این جمله‌ها و اشکال‌های دیگر ترجمه پرداخته می‌شود و در پایان ارزیابی نهایی صورت می‌گیرد.

38) a study far surpassing physics in exactitude

ترجمه: دانشی ممتاز و دقیق‌تر از طبیعیات (ص ۴۵۸، س ۲۳)

ترجمه درست: پژوهشی بسیار دقیق‌تر از طبیعیات

توضیح: معلوم نیست «ممتاز» ترجمه کدام کلمه است.

39) How far the empirical method of this pronouncement of the 55 movers is from that of the old *Metaphysics*

ترجمه: اینکه شیوه تجربی این اظهارنظر درباره پنجاه و پنج محرک تا چه اندازه از

اظهارنظر درباره مابعدالطبیعه متقدم فاصله دارد (ص ۴۵۸، س ۲۶)

ترجمه درست: اینکه روش تجربی این اعلام ۵۵ محرک چقدر از روش مابعدالطبیعه کهن

دور است

توضیح: that of جایگزین method است نه pronouncement. اگر هم جایگزین

pronouncement بود باز باید «اظهارنظر مابعدالطبیعه» ترجمه می‌شد نه «اظهارنظر درباره

مابعدالطبیعه».

40) He first deprecates the method of mere probability, which Aristotle was obliged to admit because he could not attain to certainty.

ترجمه: او نخست با روش احتمال صرف ارسطو که ناشی از عدم حصول یقین وی بود، مخالفت کرد. (ص ۴۵۹، س ۱۸)

ترجمه درست: او نخست با روش احتمال صرف مخالفت می کند، روشی که ارسطو مجبور بود آن را بپذیرد زیرا نمی توانست به قطعیت دست یابد.

توضیح: اولاً، was obliged to ترجمه نشده است. ثانیاً، معلوم نیست چرا مترجم جمله‌ای را که به سادگی قابل ترجمه است با پس و پیش کردن کلمه‌ها و تغییر دادن ساختار جمله، این گونه ترجمه کرده است. این شیوه ترجمه در بسیاری از جمله‌های دیگر نیز دیده می شود.

41) if all the spheres are to make up one unified world-system,

ترجمه: اگر همه افلاک باید نظام جهانی واحدی را تشکیل دهند، (ص ۴۵۹، س ۲۰)

ترجمه درست: اگر همه افلاک قرار باشد یک نظام جهانی یکسان را شکل دهند،

توضیح: ساختار to be + to-infinitive در این جمله به معنای «قرار بودن» است.

42) the many unmoved movers

ترجمه: بسیاری از محرک‌های نامتحرک (ص ۴۵۹، س ۲۱)

ترجمه درست: محرک‌های نامتحرک کثیر

توضیح: نویسنده در مورد همه محرک‌های نامتحرک حکم می کند نه فقط در مورد بسیاری از آنها. اگر مترجم به حرف تعریف the توجه کرده بود این اشتباه را مرتکب نمی شد. در سطر بعد the many movers به درستی «محرک‌های کثیر» ترجمه شده است.

43) Either all these intelligible essences must arise from the first, and must, just as the spheres which they move fit into the outermost sphere and are governed by it, be contained in the highest Nus as its objects

ترجمه: یا اینست که تمام این ذوات معقول باید از محرک اولی ناشی شوند و درست همان گونه که افلاکی که آنها را حرکت می دهند با بیرونی ترین فلک هماهنگی دارد و

به وسیله آن تدبیر می‌شوند، باید مشتمل بر بالاترین مراتب «عقل» به عنوان معقولات آن باشند (ص ۴۵۹، س ۲۳)

ترجمه درست: یا همه این ذوات معقول باید از محرک نخستین ناشی شوند و، درست همان‌طور که افلاکی که این ذوات آنها را حرکت می‌دهند با بیرونی‌ترین فلک هماهنگ هستند و به وسیله آن اداره می‌شوند، باید در عالی‌ترین عقل به عنوان متعلق‌های آن قرار داشته باشند

توضیح: اولاً، افلاک، ذوات معقول را حرکت نمی‌دهند بلکه ذوات معقول، افلاک را حرکت می‌دهند. با توجه به جمله‌های قبل منظور از ذوات معقول، محرک‌های نامتحرک است. باید از مترجم پرسید که اگر افلاک، محرک‌های نامتحرک را حرکت می‌دهند چگونه می‌توان این محرک‌ها را «نامتحرک» دانست؟! ثانیاً، *be contained* مجهول است نه معلوم. نویسنده نمی‌خواهد بگوید ذوات معقول مشتمل بر عالی‌ترین عقل هستند بلکه، دقیقاً برعکس، می‌خواهد بگوید عالی‌ترین عقل مشتمل بر ذوات معقول است.

44) In the middle of the eighth chapter of Book Λ there is a remarkable passage that will not merge with its context as far as the thought is concerned.

ترجمه: در میانه فصل هشتم کتاب لامبدا/ قطعه‌ای درخور ملاحظه وجود دارد که تا سیاق و مضمون واقعی را درنیابیم، آن قطعه نیز با متن هماهنگ نمی‌گردد، (ص ۴۶۰، س ۷)
ترجمه درست: در میانه فصل هشتم از کتاب لامبدا قطعه قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که از لحاظ مضمون با زمینه‌اش سازگار نیست.

توضیح: *as far as the thought is concerned* یعنی «تا آنجا که به مضمون مربوط است» اما می‌توان آن را به شیوه‌ای ساده‌تر «از لحاظ مضمون» هم ترجمه کرد. منظور نویسنده این است که قطعه میانه فصل هشتم از لحاظ مضمون و مطلبی که بیان می‌کند با سایر قسمت‌های این فصل سازگار نیست.

45) for one and the same definition, e. g. that of man, applies to many things,

ترجمه: زیرا یک و مفهوم یکسان - برای مثال مفهوم انسان - در مورد بسیاری از انسان‌ها به کار برده می‌شود، (ص ۴۶۰، س ۱۴)

ترجمه درست: زیرا یک تعریف واحد، برای مثال تعریف انسان، بر چیزهای بسیار صدق می‌کند،

توضیح: اولاً، definition به معنای تعریف است نه مفهوم. ثانیاً، «یک و مفهوم یکسان» ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و نامفهوم است. ثالثاً، things لزوماً به معنای «انسان‌ها» نیست. انسان در این جمله فقط یک مثال است.

46) Hence that which it moves

ترجمه: بنابراین آنچه که حرکت می‌کند (ص ۴۶۱، س ۳)
ترجمه درست: از این رو، آنچه عالی‌ترین صورت حرکت می‌دهد
توضیح: مترجم it را نادیده گرفته و moves را به صورت فعل لازم ترجمه کرده است در حالی که it به «عالی‌ترین صورت» که همان «عالی‌ترین محرک» است و پیش‌تر ذکر شده بازمی‌گردد و moves هم فعل متعدی است.

47) its peculiar qualities are such that any duplication destroys the presuppositions of its own conception.

ترجمه: از ویژگی‌های خاص آن اینست که هر نسخه‌دومی از آن، پیش‌فرض‌های خود آن مفهوم را نقض می‌کند. (ص ۴۶۱، س ۱۱)
ترجمه درست: ویژگی‌های خاص آن چنان است که هر تکثیری از آن، پیش‌فرض‌های مفهوم خود آن را از بین می‌برد.
توضیح: نویسنده نمی‌گوید قابل تکثیر نبودن محرک نامتحرک یکی از ویژگی‌های آن است بلکه می‌گوید محرک نامتحرک ویژگی‌هایی دارد که اجازه این تکثیر را نمی‌دهند.

48) a collection of the remains of his teaching.

ترجمه: یک گردآوری از آموزه‌های وی (ص ۴۷۵، س ۱۲)
ترجمه درست: مجموعه‌ای از آموزه‌های برجای مانده از او
توضیح: نویسنده با آوردن عبارت the remains of می‌خواهد این نکته را یادآور شود که برخی از آموزه‌های کالیپوس از بین رفته و به دست ما نرسیده است. مترجم با ترجمه نکردن این عبارت نکته مذکور را حذف کرده است.

49) The express addition of 'often' here is decisive for the understanding of this imperfect, and we must supply it in the passage about Eudoxus and Callippus.

ترجمه: افزودن قید «غالباً» در اینجا برای فهم این صیغه استمراری تعیین‌کننده است و ما باید آنرا در این متن به ائودوکسوس و کالیپوس اطلاق کنیم. (ص ۴۷۵، س ۲۰)

ترجمه درست: افزودن صریح «اغلب» در اینجا برای فهم این زمان گذشته استمراری تعیین کننده است، و ما باید آن را در قطعه درباره ائودوکسوس و کالیپوس لحاظ کنیم. توضیح: اشتباه مترجم این است که کلمه about را متعلق به supply دانسته در حالی که این کلمه متعلق به passage است.

50) *Hermes*, vol. xxxv, p. 49, n. 2

ترجمه: هرمس، ش ۳۵، ص ۴۹ (ص ۴۷۵، س ۲۳)
ترجمه درست: هرمس، سال ۳۵، ص ۴۹، یادداشت ۲
توضیح: اولاً، vol. که مخفف volume است، هنگامی که در مورد مجله به کار می رود به معنای سال یا دوره است نه شماره. برای شماره از کلمه issue یا number استفاده می شود. ثانیاً، n. 2 ترجمه نشده است.

51) Antiquity's knowledge of the reasons for Callippus' alterations

ترجمه: آگاهی از دلایل قدما درباره اصلاحات کالیپوس (ص ۴۷۵، س ۲۴)
ترجمه درست: آگاهی باستانی از دلایل اصلاحات کالیپوس
توضیح: مترجم knowledge of the reasons را متعلق به Antiquity در نظر گرفته است در حالی که فقط knowledge به Antiquity تعلق دارد و reasons متعلق به عبارت بعد است.

52) Callippus of Cyzicus, after studying with Polemarchus the friend of Eudoxus, came to Athens after the latter

ترجمه: کالیپوس اهل سیزیکوس پس از مطالعه افکار پولمارخوس - دوست ائودوکسوس - متعاقب وی به آتن آمد (ص ۴۷۵، س ۲۸)
ترجمه درست: کالیپوس اهل کوزیکوس، پس از درس خواندن نزد پولمارخوس، دوست ائودوکسوس، پس از ائودوکسوس به آتن آمد
توضیح: اولاً، to study with به معنای «درس خواندن نزد» است و نویسنده در ادامه همین پانویشت به صراحت می گوید که کالیپوس شاگرد پولمارخوس بوده است. ثانیاً، با توجه به اینکه در ترجمه، نام ائودوکسوس در داخل دو خط تیره قرار داده شده است قاعدتاً کلمه «وی» به پولمارخوس بازمی گردد، در حالی که مرجع درست آن ائودوکسوس است.

53) but also from the description of him as a pupil not of Eudoxus but of Eudoxus' pupil Polemarchus.

ترجمه: بلکه از توصیف وی نه به عنوان شاگرد ائودوکسوس، بلکه به عنوان پولمارخوس شاگرد ائودوکسوس (ص ۴۷۵، س ۳۱)
ترجمه درست: بلکه همچنین از توصیف او نه به عنوان شاگرد ائودوکسوس بلکه به عنوان شاگرد پولمارخوس، که شاگرد ائودوکسوس بود،
توضیح: of سوم عطف به pupil است و، در نتیجه، کلمه «شاگرد» باید تکرار شود؛ در غیر این صورت، جمله نامفهوم است.

54) we should not have merely Aristotle mentioned as his collaborator but rather Plato.

ترجمه: ما نباید به ارسطو، بلکه بیشتر به افلاطون به عنوان همکار او اشاره کنیم. (ص ۴۷۵، س ۳۳)

ترجمه درست: نه تنها ارسطو بلکه افلاطون باید به عنوان همکار او ذکر می‌شد.
توضیح: have در جمله مذکور به معنای experience است، مانند جمله we had our car stolen (خودروی ما را دزد برد). اگر قرار بود ترجمه مترجم درست باشد جمله انگلیسی باید به صورت ... we should not mention Aristotle ... از سوی دیگر، اصلاً بنا نیست ما به چیزی اشاره کنیم. مطلب درباره کتاب سیمپلیکیوس است که در آن، همکاری ارسطو با کالیپوس ذکر شده و نویسنده در این جمله به عنوان دلیلی برای اینکه این همکاری در دوره آکادمی نبوده است، می‌گوید اگر همکاری در دوره آکادمی بود باید در آن کتاب نام افلاطون نیز به عنوان همکار کالیپوس ذکر می‌شد.

55) All this points to the period of Callippus' reform.

ترجمه: تمامی این نکات به دوره اصلاح کالیپوس بازمی‌گردد. (ص ۴۷۵، س ۳۳)
ترجمه درست: همه اینها به دوره اصلاح کالیپوس اشاره می‌کند.
توضیح: points فعل است نه اسم. اگر اسم بود به جای this باید these آورده می‌شد.

56) See *Metaph* [. . .] 34.

ترجمه: بنگرید به *مابعدالطبیعه*، لامبدا ۳۱، ۱۰۶۹b۳۵ و ۱۰۷۰a۵ و ... (ص ۴۷۶، س ۵)
توضیح: سه سطر حذف و به جای آن نقطه چین گذاشته شده است.

57) Valentine Rose, *De Aristotelis Librorum ordine et auctoritate*, p. 160.

ترجمه: والتین رز،، ص ۱۶۰. (ص ۴۷۶، س ۹)
توضیح: به جای نام کتاب نقطه چین گذاشته شده است! حذف کلمه یا عبارت یونانی یا لاتینی و گذاشتن نقطه چین به جای آن در جاهای دیگر نیز دیده می شود. در زیر دو نمونه ذکر می شود.

در متن یونانی صرفاً واژه ... آمده است. (ص ۴۷۷، س ۲۰)

در مورد عبارت بنگرید به: (ص ۴۷۷، س ۲۱)

58) is the product of some post-Theophrastean Peripatetic who had 'already' conceived the 'false' notion of metaphysics as the science of 'the things that come after physical things'.

ترجمه: محصول تفکر مشایی پس از تئوفراستوس است که «از پیش» این عقیده درباره مابعدالطبیعه به عنوان «دانش چیزهایی که بعد از اعیان طبیعی می آید» را «نادرست» دانسته اند. (ص ۴۷۶، س ۱۰)

ترجمه درست: دستاورد یک مشایی پس از تئوفراستوس است که «از پیش» مفهوم «نادرست» مابعدالطبیعه را به عنوان علم به «چیزهایی که پس از چیزهای طبیعی می آیند» در ذهن داشته است.

توضیح: اولاً Peripatetic در اینجا اسم است نه صفت و منظور از آن یک فرد مشایی است نه تفکر مشایی؛ به همین دلیل پس از آن موصول who آمده است. ثانیاً، این فرد مشایی مفهومی از مابعدالطبیعه را که در جمله آمده نادرست نمی دانسته است بلکه، برعکس، این مفهوم نادرست را در ذهن داشته و در واقع آن را درست می دانسته است.

59) Theophrastus, *Metaphysics*, p. 310 Brandisii: [. . .] star-souls.

ترجمه: تئوفراستوس، مابعدالطبیعه، ص ۳۱۰ (نسخه برانندیسی - Brandisii) (ص ۴۷۶، س ۳۳)

توضیح: هشت سطر، شامل پنج سطر یونانی و سه سطر انگلیسی، حذف و به جای آن نقطه چین نیز گذاشته نشده است.

60) deals with an actual and moreover with an eternal reality

ترجمه: با یک امر واقعی و به علاوه با یک واقعیت سرمدی سروکار دارد (ص ۴۷۷، س ۷)
ترجمه درست: با یک واقعیت بالفعل و به علاوه با یک واقعیت سرمدی سروکار دارد
توضیح: reality پس از actual به قرینه حذف شده است و باید در ترجمه بیاید.

ب. کلمه‌ها و ترکیب‌هایی که اشتباه ترجمه شده است: ترجمه درست در پرانتز آورده شده است.

(۱) ص ۴۵۱، س ۵: study؛ نظریه (پژوهش / مطالعه). توضیح: منظور، مابعدالطبیعه ارسطو است نه نظریه محرک نامحرک.

(۲) ص ۴۵۱، س ۹: it؛ نظریه (بخش). توضیح: ضمیر به theory که در جمله قبل و پنج سطر بالاتر آمده است باز نمی‌گردد بلکه به portion که در همین جمله و دو سطر بالاتر ذکر شده است بازمی‌گردد. منظور نویسنده این است که قطعه مورد بحث قرار بود جزئی از بخش الهیاتی مابعدالطبیعه باشد.

(۳) ص ۴۵۲، س ۲: extremely improbable؛ احتمال [. . .] بسیار اندک است (بی‌نهایت نامحتمل است). توضیح: در «احتمال بسیار اندک» هنوز احتمال وجود دارد ولی در «بی‌نهایت نامحتمل» هیچ احتمالی وجود ندارد.

(۴) ص ۴۵۲، س ۱۳: movers of the spheres؛ محرک افلاک (محرک‌های افلاک). توضیح: نویسنده می‌خواهد بگوید ارسطو تحت تأثیر بحث‌هایی که در ستاره‌شناسی مطرح بود به جای یک محرک برای همه افلاک، یک محرک برای هر فلک در نظر گرفت. بنابراین، آوردن کلمه «محرک» به عنوان معادل movers نه تنها با متن اصلی مطابق نیست بلکه مقصود نویسنده را کاملاً تغییر داده است.

(۵) ص ۴۵۳، س ۹: real؛ منطقی (واقعی).

(۶) ص ۴۵۳، س ۱۸: in view of؛ به رغم (نظر به / با توجه به).

(۷) ص ۴۵۴، س ۱۵: unmoved movers؛ محرک‌هایی نامحرک (محرک‌های نامحرک). توضیح: مترجم در چند جای دیگر نیز، بدون آنکه نیازی باشد، کلمه را به صورت نکره آورده است. برای مثال، ص ۴۵۱، س ۱۶: اشاره‌ای؛ ص ۴۵۳، س ۹: دلیلی؛ ص ۴۵۶، س ۵: محاسبه‌ای، تعقلی.

(۸) ص ۴۵۴، س ۱۸: discussion؛ بحث‌ها (بحث).

(۹) ص ۴۵۵، س ۷: it؛ چنین ذاتی (برترین مبدأ).

(۱۰) ص ۴۵۵، س ۲۴: thought؛ استنتاجات (اندیشه / تفکر).

(۱۱) ص ۴۵۸، س ۶: fuller؛ کامل (کامل‌تر / جامع‌تر).

(۱۲) ص ۴۵۸، س ۱۸: more clearly؛ صراحتاً (به نحو روشن‌تری).

(۱۳) ص ۴۵۸، س ۲۱: demonstrative؛ منطقی (استدلالی / برهانی).

(۱۴) ص ۴۵۹، س ۱۷: decisive؛ دقیق (قاطع).

(۱۵) ص ۴۶۰، س ۴: counter-argument؛ برهان خلف (دلیل نقضی). توضیح: معادل

«برهان خلف» در زبان انگلیسی، عبارت لاتینی *reductio ad absurdum* است.

(۱۶) ص ۴۶۰، س ۲۱: generically؛ عموماً (نوعاً/ از لحاظ نوع). توضیح: نویسنده در

ادامه، کلمه *individually* را در مقابل *generically* می‌آورد و به صراحت می‌گوید

که منظورش تمایز نهادن میان فرد و نوع است.

(۱۷) ص ۴۶۱، س ۵: the intelligences of the spheres؛ شعور افلاک (عقول

افلاک). توضیح: اولاً، *intelligences* جمع است در حالی که کلمه «شعور» مفرد است.

ثانیاً، «عقول افلاک» اصطلاحی مشهور و جاافتاده است و دلیلی ندارد که به جای آن از

«شعور افلاک» استفاده کنیم.

(۱۸) ص ۴۷۵، س ۱۸: A؛ آلفا (آلفای بزرگ).

(۱۹) ص ۴۷۶، س ۳: it؛ این معنا (این اطلاعات).

(۲۰) ص ۴۷۶، س ۱۲: the wrong way round؛ به شکلی نادرست و وارونه (وارونه).

توضیح: عبارت مذکور یک اصطلاح و به معنای «وارونه» است. بنابراین، کلمه *wrong*

نباید جداگانه ترجمه شود.

(۲۱) ص ۴۷۶، س ۱۶: however؛ به هر حال (اما). توضیح: «به هر حال» یکی از معانی

قدیمی و منسوخ این کلمه است و *however* در متون معاصر به این معنا به کار نمی‌رود.

(۲۲) ص ۴۷۶، س ۲۱: some critics؛ منتقدان (برخی از منتقدان).

(۲۳) ص ۴۷۷، س ۴: α؛ آلفا (آلفای کوچک).

پ. کلمه‌ها و ترکیب‌هایی که ترجمه نشده است: هر یک از موارد زیر بر معنایی دلالت

دارد و مترجم با حذف آن، بخشی از معنای جمله را حذف کرده است.

(۱) ص ۴۵۱، س ۳: pregnant (۲) ص ۴۵۲، س ۴: usually

(۳) ص ۴۵۲، س ۵: naturally (۴) ص ۴۵۲، س ۱۶: merely

(۵) ص ۴۵۲، س ۱۸: also (۶) ص ۴۵۲، س ۱۹: also

(۷) ص ۴۵۳، س ۲: (above, p. 221) توضیح: نویسنده در اینجا خواننده را به مطالبی

ارجاع می‌دهد که پیش‌تر در صفحه ۲۲۱ (از متن اصلی) بیان شده است. مترجم به جای

آنکه شماره صفحه ترجمه فارسی را که با صفحه مذکور مطابق است ذکر کند راحت‌ترین

راه را انتخاب و پراگماتیک حذف کرده است. جالب اینجاست که در سطر ۱۳ از همین

صفحه ارجاع دیگری به صورت (above, p. 219) آمده که مترجم به جای آن، عبارت

«همانگونه که پیش از این نشان دادیم» را آورده است! در صفحه ۴۵۷، سطر ۱۸ ارجاع دیگری آمده اما مترجم آن را نیز حذف کرده است.

actually : ۱۰ ص ۴۵۳، س ۹	always : ۹ ص ۴۵۳، س ۹
extremely : ۱۹ ص ۴۵۳، س ۱۱	more : ۱۸ ص ۴۵۳، س ۱۰
genuine : ۲۲ ص ۴۵۳، س ۱۳	slightest : ۲۰ ص ۴۵۳، س ۱۲
in view of : ۸ ص ۴۵۵، س ۱۵	purely : ۳ ص ۴۵۵، س ۱۴
of course : ۱۳ ص ۴۵۵، س ۱۷	essential : ۹ ص ۴۵۵، س ۱۶
entirely : ۳ ص ۴۵۷، س ۱۹	far : ۷ ص ۴۵۶، س ۱۸
	the other : ۲۱ ص ۴۵۷، س ۲۰

(۲۱) ص ۴۵۷، س ۲۴: (φοραί) توضیح: در متن اصلی معادل یونانی نه کلمه یا عبارت در داخل پرانتز آورده شده است. مترجم چهار مورد را آوانگاری ولی پنج مورد دیگر را حذف کرده است. در دیباچه کتاب (ص ۲۹) در خصوص این معادل‌ها گفته شده است: «مترجم فارسی همگام با متن اصلی و در جاهایی که ضرورت آن [را] احساس می‌کرد، این معادل‌ها را به صورت آوانگاری و در داخل پرانتز قید کرده است.» اولاً، مترجم حق تصرف در متن اصلی را ندارد و باید همه معادل‌ها را می‌آورد. ثانیاً، مترجم باید برای ذکر برخی معادل‌ها و حذف برخی دیگر معیاری ارائه دهد و صرف احساس ضرورت، که کاملاً دلخواهی است، کفایت نمی‌کند. از سوی دیگر، از چهار مورد آوانگاری شده سه مورد با حروف ایتالیکی و یک مورد با حروف غیرایتالیکی آورده شده است.

therefore : ۶ ص ۴۵۹، س ۲۳	proper : ۲۱ ص ۴۵۸، س ۲۲
only : ۲۱ ص ۴۶۰، س ۲۵	rather : ۲۲ ص ۴۵۹، س ۲۴
here : ۵ ص ۴۶۱، س ۲۷	In the first place : ۴ ص ۴۶۱، س ۲۶
express : ۲۰ ص ۴۷۵، س ۲۹	c. 1520 : ۷ ص ۴۷۵، س ۲۸
also : ۳۱ ص ۴۷۵، س ۳۱	merely : ۳۳ ص ۴۷۵، س ۳۰
exactly : ۱۲ ص ۴۷۶، س ۳۳	preceding : ۹ ص ۴۷۶، س ۳۲
	mere : ۲۸ ص ۴۷۶، س ۳۴

ت. کلمه‌ها و ترکیب‌های زائد: گاهی کلمه‌ها و ترکیب‌هایی در ترجمه دیده می‌شود که در متن اصلی معادلی ندارند و مترجم آنها را، بدون آنکه نیازی باشد، در ترجمه آورده و در واقع معنایی را به متن افزوده است.

(۱) ص ۴۵۱، س ۱۲: در اصل	(۲) ص ۴۵۱، س ۱۶: نیز
-------------------------	----------------------

- | | |
|------------------------------|-----------------------------|
| ۳) ص ۴۵۲، س ۱: نیز | ۴) ص ۴۵۲، س ۹: آرای |
| ۵) ص ۴۵۲، س ۱۰: فرض کنیم | ۶) ص ۴۵۲، س ۱۴: نظری |
| ۷) ص ۴۵۲، س ۱۶: هرگونه | ۸) ص ۴۵۳، س ۱۱: به طور کلی |
| ۹) ص ۴۵۴، س ۲: می‌توانند | ۱۰) ص ۴۵۴، س ۳: مستقل |
| ۱۱) ص ۴۵۵، س ۹: در واقع | ۱۲) ص ۴۵۵، س ۱۲: حقیقتی |
| ۱۳) ص ۴۵۵، س ۱۴: البته | ۱۴) ص ۴۵۵، س ۱۹: لاجرم |
| ۱۵) ص ۴۵۵، س ۲۴: از آن پس | ۱۶) ص ۴۵۵، س ۲۴: خردتر |
| ۱۷) ص ۴۵۶، س ۳: در واقع | ۱۸) ص ۴۵۶، س ۷: کاملاً |
| ۱۹) ص ۴۵۶، س ۱۰: صرفاً | ۲۰) ص ۴۵۷، س ۳: در واقع |
| ۲۱) ص ۴۵۹، س ۱۶: گویی | ۲۲) ص ۴۵۹، س ۱۸: نیز |
| ۲۳) ص ۴۵۹، س ۲۲: بالضروره | ۲۴) ص ۴۶۰، س ۸: واقعی |
| ۲۵) ص ۴۶۰، س ۱۴: ضرورتاً | ۲۶) ص ۴۶۰، س ۱۶: تنها |
| ۲۷) ص ۴۶۱، س ۲: نیز | ۲۸) ص ۴۶۱، س ۵: خود |
| ۲۹) ص ۴۶۱، س ۷: فرض کرده‌ایم | ۳۰) ص ۴۷۵، س ۱۱: دقیق |
| ۳۱) ص ۴۷۶، س ۲۰: عملاً | ۳۲) ص ۴۷۶، س ۳۱: این بخش از |

ث. یکسان نبودن معادل‌ها: یکی از اصول ترجمه، یکسان‌سازی معادل‌هاست. آوردن معادل‌های گوناگون برای یک کلمه یا اصطلاح و املاهای گوناگون برای یک نام، خواننده را به اشتباه می‌اندازد.

- (۱) doctrine؛ ص ۴۵۳، س ۳: نظریه؛ سه سطر بعد: آموزه.
- (۲) lecture؛ ص ۴۵۳، س ۱۲: درسگفتار؛ در سطر ۲۱ از همین صفحه lectures «سخنرانی» ترجمه شده در حالی که در هر دو مورد یک موضوع واحد، یعنی درس‌های ارسطو، مورد بحث است.
- (۳) fixed stars؛ ص ۴۵۴، س ۵: ثوابت فلکی؛ ص ۴۵۷، س ۲۶: ثوابت؛ ص ۴۶۸، س ۲۳: ستارگان ثابت.
- (۴) prime mover؛ ص ۴۵۶، س ۹ و ۱۰: محرک اولی؛ شش سطر بعد: محرک نخست؛ ص بعد، س ۱: محرک نخستین.
- (۵) version؛ ص ۴۵۷، س ۸: نسخه؛ دو سطر بعد: روایت.
- (۶) star-souls؛ ص ۴۵۷، س ۱۵: نفوس سماوی؛ ص ۴۶۹، س ۱۴: نفوس فلکی؛ ص ۴۷۶، س ۲۹: نفوس ستارگان. مترجم sphere-souls را نیز «نفوس فلکی» ترجمه کرده

است (ص ۴۶۹، س ۱۳) در حالی که نویسنده در همین صفحه میان این دو فرق می‌گذارد. در حقیقت، ترجمه star-souls به «نفوس فلکی» نادرست است. (۷) self-moving؛ ص ۴۵۷، س ۲۰: متحرک بالذات؛ سطر بعد: خود متحرک. (۸) essence؛ ص ۴۶۰، س ۱۶: جوهر؛ س ۲۶: ذات. در جاهای دیگر، «جوهر» به‌عنوان معادل substance آورده شده است.

(۹) Sosigenes؛ ص ۴۵۶، س ۱۳: سزیگنس؛ ص ۴۷۶، س ۲ و ۸: سوسیگنس. با نگاهی به نمایه می‌توان موارد دیگری از این دست را یافت. برای مثال، ص ۱۰۸، س ۱: هسیود؛ ص ۱۹۳، س ۶: هزیود. ص ۱۸۴، س ۱۳: ویلامویتس؛ ص ۳۸۹، س ۸: ویلامویتز؛ ص ۳۹۳، س ۲۶: ویلاموویتس. از همه عجیب‌تر نام دموکریتوس، فیلسوف مشهور یونانی، است که با چهار املائی مختلف آمده است: ص ۲۳۹، س ۲۷: دموکریس؛ ص ۴۳۴، س ۴: دموکریتوس؛ ص ۴۹۵، س ۶: دموکریوس؛ ص ۴۹۶، س ۲۳: دموکریس. جالب اینجاست که هر یک از نام‌های مذکور، در نمایه به صورت نام مستقل ذکر شده است و، در نتیجه، خواننده تصور می‌کند که با نام چند فرد روبرو است نه با املاهای گوناگون از نام یک فرد! البته در مورد آخر، املائی درست نام فیلسوف، یعنی دموکریتوس، اصلاً در نمایه نیامده است. این اشتباه در مورد نام برخی از کتاب‌ها نیز تکرار شده است. برای مثال، ص ۲۱۸، س ۴: درباره آسمان؛ ص ۲۳۷، س ۱۶: در آسمان. بار دیگر در نمایه، این دو به صورت دو کتاب مستقل ذکر شده‌اند. در موارد مذکور، بی‌دقتی مترجم تنظیم‌کننده نمایه را به اشتباه انداخته است. نمایه اشتباه‌های متعدد دیگری نیز دارد که چون در حیطه این نقد نیست از پرداختن به آنها صرف‌نظر می‌شود.

ج. کلمه‌ها و ترکیب‌های توضیحی: کلمه‌ها و ترکیب‌هایی که برای روشن‌تر شدن مطلب به متن افزوده می‌شوند باید در داخل علامت [] آورده شوند. مترجم در دیباچه کتاب (ص ۲۹) در این باره می‌گوید: «به منظور روان‌تر شدن متن ترجمه و بنا به شیوه متداول ترجمه‌ها، کلماتی از سوی مترجم به متن افزوده شده که همگی در داخل قلاب [] آورده شده است.» برخلاف ادعای مترجم، این کار فقط در دو مورد (ص ۴۵۲، س ۱۸ و ص ۴۵۳، س ۱۹) انجام گرفته و در هجده مورد زیر از آن غفلت شده است:

- | | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| (۱) ص ۴۵۱، س ۸: مابعدالطبیعه | (۲) ص ۴۵۲، س ۱۳: کالیپوس |
| (۳) ص ۴۵۲، س ۲۵: بدین معنا که | (۴) ص ۴۵۳، س ۶: ارسطو |
| (۵) ص ۴۵۳، س ۱۵: از اینرو | (۶) ص ۴۵۴، س ۳: بحث خویش را |

- | | |
|---------------------------------|------------------------------|
| (۷) ص ۴۵۶، س ۴: مسیر | (۸) ص ۴۵۸، س ۲: نظریه |
| (۹) ص ۴۵۸، س ۷: در این باب | (۱۰) ص ۴۵۸، س ۸: مفاهیم |
| (۱۱) ص ۴۵۸، س ۱۰: مجموعه | (۱۲) ص ۴۵۸، س ۱۵: نظریه |
| (۱۳) ص ۴۶۰، س ۳: لذا | (۱۴) ص ۴۶۱، س ۴: نخستین |
| (۱۵) ص ۴۶۱، س ۹: محرک‌ها | (۱۶) ص ۴۷۵، س ۲۰: قید |
| (۱۷) ص ۴۷۵، س ۳۰: حضور ارسطو در | (۱۸) ص ۴۷۶، س ۱۳: فکری ارسطو |

چ. اشکال‌های نثر فارسی: در نثر فارسی جمله‌هایی دیده می‌شود که یا از لحاظ دستور زبان فارسی نادرست‌اند و یا از روانی لازم برخوردار نیستند. در زیر، برخی از این موارد ذکر می‌گردد و عبارت درست در پرانتز آورده می‌شود.

(۱) ص ۴۵۲، س ۵: تا بتواند در آتن روابطی که بوسیله ائودوکسوس با محافل علمی آن شهر ایجاد شده بود را دوباره برقرار سازد. («را» باید پس از کلمهٔ «روابطی» آورده شود.) توضیح: به‌طور کلی، در نثر فارسی آوردن «را» پس از فعل درست نیست. مترجم در ص ۴۵۶، س ۳ و ص ۴۵۸، س ۸ نیز این اشتباه را تکرار کرده است.

(۲) ص ۴۵۲، س ۹: وی نمی‌توانسته است تغییراتی را که بواسطه آرای کالیپوس در نظام فلکی ائودوکسوس پیشنهاد شده بود را منعکس کرده باشد، («را»ی دوم زائد است.)
 (۳) ص ۴۵۳، س ۱۷: اما حتی در خلال بخش دوم که این نظریه توضیح داده شده است، وضوح چندانی ندارد. توضیح: جمله فاعل ندارد و معلوم نیست چه چیزی وضوح چندانی ندارد. بیشتر احتمال می‌رود که فاعل، «این نظریه» باشد. ترجمهٔ درست این جمله با توجه به متن اصلی چنین است: «اما حتی بخش دوم، که این نظریه در آن توضیح داده شده است، چندان خواندنی‌تر نیست.» مشخص است که فاعل جمله «بخش دوم» است.

(۴) ص ۴۵۴، س ۱: آیا تنها یک جوهر مانند محرک نامتحرک وجود دارد یا تعداد زیادی از آنها تحقق دارند (آیا تنها یک جوهر مانند محرک نامتحرک وجود دارد یا تعداد زیادی از آنها) توضیح: در حالی که به راحتی می‌توان مطلب را با استفاده از یک فعل بیان کرد معلوم نیست چرا مترجم بی‌جهت فعل دیگری را به جمله افزوده است. در جملهٔ انگلیسی نیز فقط یک *there is* وجود دارد.

(۵) ص ۴۵۴، س ۱۰: ما باید برای هر کدام از ثوابت به تعداد حرکاتی که برخورداراند، به همان تعداد محرک فرض کنیم؛ (ما باید برای هر کدام از ثوابت به تعداد حرکاتی که از آن برخوردارند محرک فرض کنیم؛)

۶) ص ۴۵۴، س ۱۲: این بدان معناست که به تعداد افلاک باید، دقیقاً همان تعداد محرک نامتحرک وجود داشته باشد. (این بدان معناست که دقیقاً به تعداد افلاک باید محرک نامتحرک وجود داشته باشد.) از سوی دیگر، یا باید ویرگول پس از «باید» برداشته شود و یا پس از «تعداد» دوم نیز ویرگول گذاشته شود.

۷) ص ۴۵۴، س ۱۷: ارسطو هنگامی که وارد محاسبات ستاره‌شناسان شده و می‌کوشد تا نشان دهد (ارسطو هنگامی که وارد محاسبات ستاره‌شناسان می‌شود و می‌کوشد تا نشان دهد) ارسطو هنگامی که وارد محاسبات ستاره‌شناسان شده می‌کوشد تا نشان دهد.

توضیح: در نثر فارسی فصیح، آوردن «و» عطف پس از عبارت وصفی درست نیست.

۸) ص ۴۵۴، س ۲۵: فصل مذکور نه تنها در سبک نوشتار، بلکه همچنین در نوع روشی که برگزیده است با متن کتاب ناسازگار است. (نه تنها سبک نوشتار بلکه همچنین نوع روش فصل مذکور با متن کتاب ناسازگار است.) توضیح: در نثر فارسی فصیح اسناد فعل مختص جانداران به فاعل بی‌جان نادر است و تا حد امکان باید از آن پرهیز کرد.

۹) ص ۴۵۶، س ۶: چنین بحثی بیش از آنکه به الهیات مربوط باشد به فیزیک و ستاره‌شناسی تعلق دارد (چنین بحثی بیشتر به الهیات تعلق دارد تا به فیزیک و ستاره‌شناسی). توضیح: همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نیازی به افزودن فعل اضافی نیست. در جمله انگلیسی نیز فقط یک فعل (belong) وجود دارد. آوردن فعل اضافی در چند جمله دیگر نیز دیده می‌شود.

۱۰) ص ۴۵۷، س ۷: ویراستاران در اینجا درست همان‌طور عمل کرده‌اند که در دیگر بخش‌های مابعدالطبیعه نیز چنین کرده‌اند. (ویراستاران در اینجا درست مانند بخش‌های دیگر مابعدالطبیعه عمل کرده‌اند.)

۱۱) ص ۴۵۷، س ۱۱: ارسطو به هیچ وجه از دیدگاه اولیه‌اش راضی نبوده است و حتی در آخرین بازنگری، کل نظریه محرک‌های افلاک را بازسازی کرده است. («است» اول زائد است و باید به قرینه حذف شود.)

۱۲) ص ۴۵۷، س ۲۴: هر یک از این حرکات چرخشی در عالم تحت‌القمر نیز باید محرک ویژه خویش را داشته باشند؛ («داشته باشد» درست است.)

۱۳) ص ۴۵۷، س ۲۷: این اعتراض از سوی تئوفراستوس مطرح می‌شود (این اعتراض را تئوفراستوس مطرح می‌کند) توضیح: مترجم در موارد متعددی فعل مجهول را به همان صورت ترجمه کرده و در ادامه فاعل را پس از کلمه‌هایی مانند «بوسیله»، «توسط»، «بواسطه»، «از سوی» و مانند آن آورده است، در حالی که گرایش زبان فارسی به استفاده از

فعل معلوم است نه فعل مجهول و در این موارد بهتر است فعل مجهول به فعل معلوم تبدیل شود.

(۱۴ ص ۴۶۰، س ۲: هر یک از آنها باید مبدأ مستقلی باشند («باشد» درست است).
(۱۵ ص ۴۶۰، س ۹: قطعه مذکور ضرورتاً تمامی آنچه را که در فصل هشتم کتاب لامبدا/ درباره تعدد محرک‌های نامتحرک گفته شده است را نقض می‌کند. («را»ی دوم زائد است).

نکته دیگر اینکه گاهی غلط‌های املائی عجیبی در ترجمه دیده می‌شود. برای مثال، «معطل» (ص ۴۵۸، س ۷ و ۹) که املائی درست آن «معضل» است و «توجیح» (ص ۴۵۸، س ۲۴) که املائی درست آن «توجیه» است.

ح. اشکال‌های ویرایشی: ترجمه، اشکال‌های ویرایشی متعددی دارد که در زیر مواردی ذکر می‌شود.

(۱) مترجم هجده بار به جای دو ویرگول، که در متن اصلی آمده، از دو خط تیره استفاده کرده است، یعنی به طور میانگین بیش از یک و نیم بار در هر صفحه. بی تردید نویسنده و مترجم انگلیسی از کاربرد خط تیره آگاهی داشته‌اند و اگر لازم بود از آن استفاده می‌کردند، همان‌طور که در جاهای دیگر این کار را کرده‌اند. در همه این موارد مطلب با استفاده از ویرگول روشن است و نیازی به استفاده از خط تیره نیست. برای نمونه دو مورد ذکر می‌شود:

ص ۴۵۴، س ۱۱: از آنجا که نظام ائودوکسوس - که ارسطو آن را اقتباس کرده است - برای هر حرکت (از آنجا که نظام ائودوکسوس، که ارسطو آن را اقتباس کرده است، برای هر حرکت).

ص ۴۶۱، س ۳: آنچه که حرکت می‌کند - یعنی آسمان - نیز تنها یکبار اتفاق می‌افتد. (آنچه حرکت می‌کند، یعنی آسمان، نیز تنها یک بار اتفاق می‌افتد).

(۲) در متن اصلی Book Λ (کتاب لامبدا) در همه موارد به صورت غیرایتالیک آمده است. اما مترجم آن را به سه شکل مختلف آورده است: سه بار کتاب لامبدا (هر دو ایتالیک) برای مثال، ص ۴۵۱، س ۱۰؛ هشت بار کتاب لامبدا (فقط لامبدا ایتالیک) برای مثال ص ۴۵۲، س ۸ و پنج بار کتاب لامبدا (هر دو غیرایتالیک) برای مثال ص ۴۵۲، س ۲۵. گاهی فاصله میان این موارد بسیار نزدیک است. برای مثال در ص ۴۵۱، س ۱۲ کتاب لامبدا آمده است و دو سطر بعد کتاب لامبدا.

۳) در متن اصلی هنگام نام بردن از کتاب «مابعدالطبیعه» فقط نام کتاب با حروف ایتالیکی آورده شده و کلمه «کتاب» پیش از آن ذکر نشده است. در ترجمه، در اکثر موارد به همین صورت عمل شده اما گاهی کلمه «کتاب»، برخلاف اصول ویرایش، افزوده شده است. در برخی موارد این دو شیوه در یک صفحه به کار گرفته شده است. برای مثال در ص ۴۵۱ دو بار فقط *مابعدالطبیعه* (س ۴ و ۸) و دو بار کتاب *مابعدالطبیعه* (س ۱۲ و ۱۴) آورده شده است. این اشتباه در خصوص کتاب‌های دیگر نیز دیده می‌شود. برای مثال در ص ۴۵۶، س ۱۲ کتاب *در آسمان* و در ص ۴۷۶، س ۲۶ فقط *در باره آسمان* آمده است.

۴) نویسنده در پانوشت پنج بار خواننده را به مطلبی ارجاع می‌دهد که پیش‌تر در همین کتاب در صفحه خاصی آن را بیان کرده است. از آنجا که در ترجمه معمولاً شماره صفحه‌های متن اصلی با شماره صفحه‌های متن ترجمه مطابقت ندارد مترجم باید پس از صفحه‌بندی کتاب، متن اصلی و متن ترجمه را تطبیق دهد و شماره صفحه مورد نظر را استخراج و در ترجمه درج کند. مترجم زحمت این مطابقت را به خود نداده و در یک مورد (ص ۴۷۶، س ۳۰) ارجاع را حذف و در چهار مورد دیگر به جای شماره صفحه شماره فصل را ذکر کرده است، بدون توجه به اینکه نویسنده نمی‌خواهد خواننده را به کل فصل ارجاع دهد بلکه مقصودش ارجاع خواننده به صفحه خاصی است. برای نمونه یک مورد (ص ۴۷۵، س ۴) ذکر می‌شود:

Cf. above, p. 219.

ترجمه: مقایسه کنید با فصل هشتم.

۵) مترجم گاهی همزه را می‌آورد و گاهی نمی‌آورد. برای مثال «بوسیله ویراستاران» (ص ۴۵۱، س ۱۰)، «بوسیله ائودوکسوس» (ص ۴۵۲، س ۶)؛ «نحوه بیان» (ص ۴۵۲، س ۷)، «شیوه بیان» (ص ۴۵۳، س ۲۰)؛ «نظریه محرک افلاک» (ص ۴۵۲، س ۱۳)، «نظریه محرک نخستین» (ص ۴۵۳، س ۱۷)؛ «صیغه استمراری» (ص ۴۵۲، س ۱۵)، «صیغه استمراری» (ص ۴۵۲، س ۱۹)؛ *در باره* (ص ۴۵۷، س ۲۳)، *در باره* (ص ۴۵۷، س ۲۷). به‌طور کلی، در آوردن همزه از قاعده خاصی پیروی نشده است.

۶) در برخی از مواردی که مترجم از کسره استفاده کرده است نیازی به کسره نیست و متن بدون آن روشن است. برای مثال، «محتوای اصلی» (ص ۴۵۴، س ۲۴)؛ «بخش نخست» (ص ۴۵۶، س ۱۵)؛ «ویراستاران آثار» (ص ۴۵۶، س ۲۳)؛ «روایت جدید» (ص ۴۵۷، س ۱۰)؛ «فصل هشتم کتاب *لامبدا*» (ص ۴۵۸، س ۱۷).

۷) ص ۴۵۵، س ۱۱: *(Nus)* به‌عنوان معادل «عقل» در داخل متن ولی معادل سایر اصطلاح‌های تخصصی در پانوشت آورده شده است. حتی خود Nus نیز در صفحه‌های

دیگر کتاب در پانوشت ذکر شده است. از سوی دیگر، معادل اصطلاح تخصصی باید فقط یک بار در پانوشت ذکر شود اما مترجم، معادل Nus و بسیاری از معادل‌های دیگر را بارها و گاهی حتی بیش از یک بار در یک صفحه (برای مثال معادل Nus در ص ۹۸ و ۱۳۶) در پانوشت آورده است. البته گاهی نیز اصلاً معادل را نیاورده است، برای مثال Nus در صفحه ۱۰۰. بنابراین، در ذکر معادل اصطلاح‌های تخصصی از قاعده خاصی پیروی نشده است.

۸) معادل اصطلاح تخصصی باید اولین بار که در متن آمده است در پانوشت آورده و سپس در واژه‌نامه اصطلاح‌های تخصصی در انتهای کتاب گنجانده شود. اصطلاح theology اولین بار در صفحه ۹ متن اصلی آمده ولی در ترجمه فارسی (ص ۴۵) معادلش در پانوشت ذکر نشده و در ادامه نیز بارها در متن آمده اما فقط در صفحه ۴۵۱ به‌عنوان یک معادل مستقل در پانوشت آورده شده است. این اشکال در مورد معادل بسیاری از اصطلاح‌های تخصصی دیگر نیز صادق است.

۹) معادل نام‌ها شامل نام افراد، کتاب‌ها و غیره باید فقط بار اول که در متن آمده است در پانوشت آورده و سپس در نمایه گنجانده شود. در صفحه ۴۵۶ معادل چهار نام در پانوشت آمده است. در صفحه ۴۷۶ این نام‌ها تکرار شده‌اند و معادل سه تا از آنها بار دیگر ذکر شده است. از سوی دیگر، در این صفحه معادل نام سوسیگنس و لاسون در داخل دو خط تیره اما معادل نام ایدلر در این صفحه و معادل نام آپلت، بوخ و پاولی-ویسوا در صفحه قبل و معادل نام اشوگلر در صفحه بعد در پراوتر آورده شده است. از این گذشته، معادل بسیاری از نام‌ها در برخی از صفحه‌ها در پانوشت آورده شده اما در برخی دیگر آورده نشده است. برای نمونه، در حالی که معادل نام «بونیتس» در چند صفحه در پانوشت آورده شده اما در چند صفحه دیگر، برای مثال صفحه ۴۵۱، آورده نشده است. بنابراین، آوردن معادل نام‌ها نیز از قاعده خاصی پیروی نمی‌کند و دلخواهی است.

۱۰) بار اول که نامی در متن می‌آید باید معادل آن همراه با توضیح مختصری، دست‌کم، در حد سال تولد و احتمالاً مرگ، ملیت و حوزه تخصص ذکر شود. مترجم درباره اکثر قریب به اتفاق نام‌ها هیچ توضیحی نداده اما معلوم نیست چرا برخی نام‌ها را از این قاعده مستثنی کرده و در موردشان توضیح داده است. برای مثال «پیندار» در صفحه ۵۵ و چهار نام دیگر در صفحه ۱۱۴. جالب اینجاست که هر چهار نام اخیر پیش‌تر در متن آمده بودند اما در پانوشت توضیحی در موردشان داده نشده بود. نکته عجیب در این خصوص این است که گرچه در برابر نام تقریباً هیچ‌یک از افراد گمنام توضیحی داده نشده در پانوشت صفحه ۲۲۵ جلوی معادل نام اشلایرماخر و کانت، متفکران بزرگ آلمانی، تاریخ تولد و وفاتشان

ذکر شده است! این در حالی است که نام کانت پیش تر چندین بار در متن آمده اما معادل آن در پانویشت آورده نشده است، چه برسد به تاریخ تولد و وفات.

۱۱) یکی از نکته‌های ویرایشی وصل و فصل کلمه‌هاست. در اینجا نیز نظمی دیده نمی‌شود. چند نمونه ذکر می‌شود: کامل‌ترین (ص ۴۵۵، س ۱۰)، کاملترین (ص ۴۵۸، س ۱۱)؛ ناقص‌تر (ص ۴۵۵، س ۲۰)، معقولتر (ص ۴۵۶، س ۱۹)؛ بوسیله (ص ۴۵۲، س ۶)، به وسیله (ص ۴۵۹، س ۲۵)؛ آن را (ص ۴۵۴، س ۱۱)، آنرا (ص ۴۷۵، س ۲۱)؛ در واقع (ص ۴۵۶، س ۳)، در واقع (س ۲۲)؛ همانطور (ص ۴۵۷، س ۷)، همان‌طور (س ۱۳)؛ غیرمادی (ص ۴۶۱، س ۹)، غیر مادی (همان سطر)؛ در حالیکه (ص ۴۷۵، س ۱۱)، درحالی که (س ۱۵)؛ به‌رحال (ص ۴۷۵، س ۹)، به‌رحال (ص ۴۷۶، س ۱۶)؛ این کار (ص ۴۷۶، س ۱۷)، اینکار (س ۱۹). نکته عجیب این است که در فصل چهاردهم، که تطبیق بخشی از آن موضوع این نقد است، علامت جمع «ها» تقریباً در همه موارد جدا از کلمه قبل آمده است اما در برخی از فصل‌های دیگر کتاب، برای مثال فصل دهم، این علامت تقریباً در همه موارد به کلمه قبل متصل است!

۱۲) گاهی کلمه یا عبارتی در متن اصلی ایتالیک است اما در ترجمه فارسی ایتالیک نیست. سه مورد ذکر می‌شود: 'astronomers' (ص ۴۵۸، س ۷)؛ used to assign (ص ۴۷۵، س ۱۵)؛ used to give (ص ۴۷۵، س ۲۰).

۱۳) ص ۴۵۱، س ۱۱: نام «بونیتس» در متن اصلی داخل علامت نقل قول نیست ولی در ترجمه داخل این علامت قرار داده شده است. این کار در مورد سایر نام‌ها انجام نشده است. همچنین در ص ۴۵۷، س ۱۴ «اثیر» در متن اصلی در علامت نقل قول نیست ولی در ترجمه در این علامت است. در مقابل، در ص ۴۷۶، س ۲۴ «درباره ائودوکسوس» در متن اصلی در علامت نقل قول است ولی در ترجمه در این علامت قرار داده نشده است.

۱۴) ص ۴۵۲، س ۱۶ و ۱۸: پاراگراف‌بندی متن ترجمه باید مطابق با متن اصلی باشد، اما مترجم در این دو سطر دو پاراگراف مستقل تشکیل داده و آنها را شماره‌گذاری هم کرده است، در حالی که در متن اصلی کل مطلب یک پاراگراف است و شماره‌گذاری نیز وجود ندارد.

۱۵) ص ۴۵۵، س ۲۲: عبارت (اندیشه خوداندیش)، که افزوده مترجم است، باید در گروه بیاید نه در پرانتز.

۱۶) ص ۴۵۸، س ۱۳: به‌جای نقطه، علامت «!» آمده است.

۱۷) ص ۴۵۸، س ۲۵: شماره پی‌نوشت باید، مانند متن اصلی، آخر جمله بیاید نه وسط جمله.

۱۸) ص ۴۶۰، س ۱۱: نقل قولی که در متن اصلی در داخل متن است در ترجمه از متن جدا شده و با تورفتگی از سمت راست به صورت جدا از متن آمده است. از سوی دیگر، این نقل قول، مانند پنج مورد دیگر در این فصل، در داخل علامت نقل قول قرار داده شده است اما دو مورد دیگر (در ص ۴۶۴ و ۴۶۶) فاقد این علامت هستند.

۱۹) ص ۴۶۰، س ۲۲: عبارت «همان گونه که برای مثال در نوع انسان چنین است» در متن اصلی در پراکنش نیست ولی در ترجمه در پراکنش آورده شده است. این اشتباه در ص ۴۷۶، س ۱۷ و ۲۷ در موارد دیگری تکرار شده است، در حالی که در هیچ یک از آنها نیازی به پراکنش نیست.

اشکال‌های ویرایشی بیش از موارد مذکور است، اما به منظور جلوگیری از طولانی شدن این بخش از ذکر ادامه آنها صرف نظر می‌شود. به طور کلی، انواع و اقسام اشکال ویرایشی در ترجمه دیده می‌شود.

ارزیابی نهایی: اگر از اشتباه‌های بخش چ و ح صرف نظر کنیم و فقط اشتباه‌های بخش الف تا ج را در نظر بگیریم تعداد آنها به صد و هفتاد و شش مورد بالغ می‌شود و با توجه به اینکه یازده صفحه از متن اصلی با ترجمه فارسی تطبیق داده شده است تعداد اشتباه‌ها شانزده مورد در هر صفحه خواهد بود. اگر از اشتباه‌های بخش ب تا ح چشم‌پوشی کنیم و فقط اشتباه‌های بخش الف را مد نظر قرار دهیم، یعنی جمله‌هایی که اشتباه ترجمه شده یا ترجمه نشده است، تعداد آنها شصت مورد خواهد بود یعنی تقریباً پنج و نیم اشتباه در هر صفحه. بدیهی است که ترجمه‌ای با این تعداد اشتباه نمی‌تواند قابل قبول باشد. مسئله فقط ضعف در زبان انگلیسی یا شتاب در ترجمه نیست. اگر مترجم به فلسفه ارسطو و به طور کلی به فلسفه دوره یونان تسلط کافی داشت بسیاری از اشتباه‌های مذکور را مرتکب نمی‌شد. از این رو، جای تعجب است که آقای دکتر داوری در ابتدای مقدمه، ایشان را «همکار صاحب‌نظر» معرفی کرده‌اند. مترجم در دیباچه کتاب (ص ۲۹) آورده است: «جا دارد محققان حوزه فلسفه در کشور ما [. . .] فضای نقد عالمانه را در این ساحت رونق بخشند.» به نظر می‌رسد که مترجم ضرورت نقد را دریافته است. بنابراین امیدوارم ایشان این نقد را نیز گامی در جهت رونق بخشیدن به فضای نقد در نظر بگیرند.
